

Industrial Economics Researches

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

A Comparative Study of the Impacts of Institutions on Entrepreneurial Activities In Developed and Developing Countries

Siavash Jani^{1*}, Yalda Akhgari², Mosab Abbdolahi Arani³

¹Associate Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

²Master of Economics, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

³Assistan Professor, Department of Economics, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence

Siavash Jani

Email: S.jani@pnu.ac.ir

How to cite

Jani, S., Akhgari, Y. & Abbdolahi Arani, M. (2024). A Comparative Study of the Impacts of Institutions on Entrepreneurial Activities In Developed and Developing Countries. *Industrial Economics Researches*, 7(26), 49-62.

ABSTRACT

Studying the entrepreneurship literature shows that the Economic performance and the extent of entrepreneurial activities depend on the quality and different levels of institutions, and in addition, the mechanism of institutions' influence on entrepreneurial activities in developed and developing countries differs. The purpose of this research is to understand the difference in the type of influence of micro and macro institutions on entrepreneurial activities in developed and developing countries. For this purpose, while using the dynamic panel data, the good governance index and the business environment index used as macro and micro institutional factors, respectively. The results showed that the good governance significantly increase the level of entrepreneurial activities in both developing and developed countries. Contrary to expectations, micro-institutional factors do not increase the level of entrepreneurial activities in the studied developing and developed countries. The degree of economic freedom has a small effect on entrepreneurial activities in developed countries, while it strengthens entrepreneurship in developing countries. Government expenditure has a positive impact on the level of entrepreneurial activities in developing countries, but it is ineffective in developed countries. Economic growth in both groups of countries has positive impact on the level of entrepreneurial activities. The impact of liquidity on the entrepreneurial activities of developing and developed countries is negative and positive, respectively.

KEYWORDS

Entrepreneurship, Institutions, Good Governance, Business Environment, Developed Countries, Developing Countries.

JEL Classification: O43, L26.

نشریه علمی

پژوهش‌های اقتصاد صنعتی

«مقاله پژوهشی»

مطالعه تطبیقی تاثیر نهادها بر فعالیتهای کارآفرینی کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه

سیاوش جانی^{۱*}، یلدا اخگری^۲، مصعب عبدالهی آرانی^۳

چکیده

بررسی ادبیات نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی و کارآفرینی به کیفیت و سطوح مختلف نهادها وابسته می‌باشند. همچنین سازوکار اثرگذاری نهادها بر کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه متفاوت از هم هست. هدف این پژوهش درک تفاوت نوع تاثیرگذاری نهادهای خرد و کلان بر فعالیتهای کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه است. برای این منظور ضمن استفاده از رویکرد پانل پویا از شاخص حکمرانی و شاخص فضای کسب و کار به ترتیب به عنوان عوامل نهادی کلان و خرد استفاده می‌شود. نتایج حاصل از برآورد الگو نشان داد که تقویت نهادهای کلان و ارتقاء حکمرانی خوب به صورت معنی دار موجب ارتقاء سطح فعالیتهای کارآفرینانه در هر دو گروه از کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته می‌شود. برخلاف انتظار، عوامل نهادی خرد موجب ارتقای سطح فعالیتهای کارآفرینانه در کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته مورد مطالعه نمی‌شود. درجه آزادی اقتصادی اثر ناچیزی بر کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته دارد، درحالی که در کشورهای درحال توسعه موجب تقویت کارآفرینی می‌شود. افزایش مخارج دولت بر سطح فعالیتهای کارآفرینی کشورهای درحال توسعه اثر مثبت دارد اما در کشورهای توسعه یافته بی اثر است. رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورها تاثیر مثبت بر سطح فعالیتهای کارآفرینی دارد. اثر نقدینگی بر فعالیتهای کارآفرینی کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته به ترتیب منفی و مثبت است.

واژه‌های کلیدی

کارآفرینی، نهادها، حکمرانی خوب، کسب و کار، کشورهای توسعه یافته، کشورهای درحال توسعه.

طبقه‌بندی JEL: O43, L26

^۱ دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
^۲ کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
^۳ استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

سیاوش جانی

رایانامه: S.jani@pnu.ac.ir

استناد به این مقاله:

جانی، سیاوش؛ اخگری، یلدا و عبدالهی آرانی، مصعب. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی تاثیر نهادها بر فعالیتهای کارآفرینی کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه. ۷(۲۶)، ۴۹-۶۲.

مقدمه

در نظریه‌های نوین اقتصادی، کارآفرینی به‌عنوان یکی از محورهای توسعه درون‌زا، موجب افزایش اشتغال پایدار شده و اقتصادی مقاوم و پویا را ایجاد می‌کند. کارآفرینی علاوه بر رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته افراد جامعه، موجب کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع، انتقال فناوری، ترغیب سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید می‌شود. در این خصوص برخی معتقدند توسعه کارآفرینی می‌تواند بیکاری را که در بسیاری از جوامع باعث بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی می‌شود، برطرف نماید.

با عنایت به اهمیت کارآفرینی، در ادبیات اقتصادی عوامل موثر بر کارآفرینی از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. براساس مطالعات انجام‌یافته، عوامل و شرایط مناسب برای کارآفرینان از سه بعد منابع در دسترس، راهبردها و اهداف کارآفرینان و تهدیدات و فرصت‌های محیط اقتصادی قابل بررسی است. در مطالعات اخیر بعد سوم بیشتر از سایر ابعاد مورد توجه قرار گرفته و برخی معتقدند که در هر جامعه‌ای، افراد خلاق و نوآور وجود دارند که انگیزه‌هایی مانند حرص، بلندپروازی و کنجکاوای آن‌ها را به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه سوق می‌دهد و اگر بستر مناسبی برای آن‌ها فراهم شود، نوآوری و کارآفرینی گسترش می‌یابد (احمدپور و داریانی، ۱۳۸۱). در این میان بسیاری از محققین از جمله زولتان^۱ و همکارانش (۲۰۱۸) نشان می‌دهند نهادها که محیط فعالیت کارآفرینان را شکل می‌دهند، می‌توانند بر فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذار باشند و تفاوت در سطح کارآفرینی جوامع را توضیح دهند.

نورث نهادهای کشورها را تبلور باورها و قواعد بازی در هر جامعه قلمداد می‌کند که در قالب قوانین رسمی و یا قواعد غیررسمی جامعه شکل می‌گیرد. به اعتقاد وی اگر چارچوب نهادی جامعه برای فعالیت‌های خلاف، پاداش دهد، فعالیت‌ها در جهت خلاف و دزدی سامان می‌یابند و اگر چارچوب نهادی به فعالیت‌های تولیدی پاداش دهد، در این صورت فعالیت‌های مولد و تولیدی ترویج می‌یابد (نورث، ۱۹۹۴:۳۶۱). همچنین بامول^۲ (۱۹۹۰) معتقد است کارآفرینان به انگیزه‌های موجود در محیطشان، هم در شکل مقررات (قواعد رسمی) و هم برحسب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غالب (قواعد غیررسمی) اهمیت می‌دهند. وی بیان می‌کند در یک محیط نهادی که پاداش فعالیت‌های رانت‌جویانه، بیش از هزینه‌ها آنهاست، کارآفرینی نامولد پدید خواهد آمد و اگر پاداش‌ها

در جامعه به سوی کارآفرینی بهره‌ور، گرایش داشته باشند، یعنی کارآفرینی که اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، آنگاه این شکل کارآفرینی، اولویت خواهد داشت.

بحث درخصوص تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی درحالی است که نهادگرایان، نهادها را به سطوح مختلف نهادی تقسیم می‌نمایند و نشان می‌دهند که سازوکار تاثیر هر کدام از عوامل نهادی بر عملکرد اقتصادی متفاوت است. این درحالی است که در مطالعات انجام شده درخصوص تاثیر عوامل نهادی بر کارآفرینی، از جمله مطالعه قادری مقدم (۱۳۹۸) و صمدی (۲۰۱۹) تاثیر برخی عوامل نهادی از جمله فضای کسب‌وکار بر سطح کارآفرینی گروهی از کشورها، بدون توجه به اینکه شاخص مذکور در ارتباط با کدام سطح از نهادها بوده و سازوکار اثرگذاری آن بر کارآفرینی چگونه است، مدنظر قرار گرفته است. همچنین براساس نظریات نهادگرایان، تاثیر عوامل نهادی بر عملکرد اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته متفاوت از کشورهای درحال توسعه است و بر این اساس لازم است عوامل نهادی موثر بر کارآفرینی با عنایت به سطوح متفاوت کشورها مورد بررسی قرار گیرد. لیکن در اکثر مطالعات انجام‌شده برای کارآفرینی به سطوح توسعه کشورها توجه نمی‌شود.

با عنایت به مطالب فوق، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سوالات است که سطوح مختلف نهادی در نظریه نهادگرایان کدامند؟ سازوکارهای تاثیر سطوح مختلف نهادی بر عملکرد اقتصادی و کارآفرینی چگونه است؟ کدام شاخص‌ها برای سنجش سطوح مختلف نهادی مناسب هستند؟ تاثیر سطوح مختلف نهادی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینی کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه چگونه است؟

به‌منظور پاسخ به سوالات فوق در این مطالعه عوامل موثر بر کارآفرینی با تاکید بر نقش سطوح مختلف نهادی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به‌منظور تحلیل بیشتر و دقیق‌تر نقش نهادها، این بررسی برای دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه و به تفکیک سطوح نهادی صورت خواهد گرفت. به‌منظور انجام این بررسی در بخش بعدی مقاله ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق بیان می‌شود. بخش سوم به معرفی الگو و داده‌های مورد استفاده در مطالعه پرداخته می‌شود. در بخش چهارم به تحلیل نتایج حاصل از برآورد الگو اختصاص دارد و در نهایت جمع‌بندی و پیشنهادات حاصل از نتایج مطالعه ارائه می‌شود.

مبانی نظری

– نظریات مکاتب درخصوص کارآفرینی

بنابر تعریف واژه‌نامه دانشگاهی وبستر^۱ کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند. در منابع مختلف ویژگی‌های عدیده‌ای برای کارآفرینان از جمله آمادگی برای پذیرش خطر، تمایل به استقلال و داشتن اعتماد به نفس شمرده شده است. همچنین نظریه‌های مختلفی برای تبیین عوامل موثر بر کارآفرینی و دلایل کارآفرینی بیان شده است. اما تعاریف و نظریه‌های مذکور، کلیتی واحد نیستند و با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

واژه کارآفرینی نخست توسط کانتیلون^۲ (۱۷۵۵) وارد نظریه اقتصادی شد. وی برای اولین بار، اهمیت و نقش کارآفرین را در ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی مورد بحث قرار داد. در تصور کانتیلون کارآفرین آغازگر تغییر نبوده و نوآور هم نیست. اما برای کسب سود مخاطره را می‌پذیرد (بلاگ^۳ و استراکس^۴، ۱۹۸۳: ۹۷). این درحالی است که از دیدگاه شومپتر^۵ نوآوری ملاک کارآفرینی است. وی مدیری را کارآفرین می‌داند که رفتار نوآورانه از خود بروز دهد.

آدام اسمیت (۱۷۷۵) نقش کارآفرین را در صحنه فعالیت اقتصادی بسیار جزئی می‌داند. وی معتقد بود که کارآفرین سرمایه فراهم می‌نماید. اما هرگز نقش پیشرو و هدایت‌گرانه ندارد. درحالی که استدلال سی دالت بر آن داشت که کارآفرین در تولید، منابع ضروری را در اختیار گرفته و فرآیند تولید را سازماندهی و هماهنگ می‌کند (پالمر^۶، ۸۸: ۱۹۸۷).

مطابق نظریه اقتصادی نئوکلاسیک، کارآفرینی باید از منظر فردگرایانه تحلیل شود. در واقع، عامل اقتصادی است که تصمیم می‌گیرد به فعالیت‌های کارآفرینانه رو آورد یا به نوع دیگری از فعالیت‌های درآمدزا بپردازد. این عقلانیت فردی است که تخصیص نهاده‌ها میان فعالیت‌های مختلف را در مواجهه با قیمت‌ها، قید بودجه و یا یک فرصت محیطی مشخص، تعیین می‌کند. اما به نظریه کارآفرینی نئوکلاسیک انتقاداتی وارد است. یکی از مهمترین انتقادات این است که در دنیای واقعی، هزینه مبادله صفر نیست. همچنین علاوه بر قیمت که پاسخ به تغییرات آن به خصوصیات فردی بستگی دارد، عوامل دیگری نیز بر کارآفرینی موثر هستند که در نظریه نئوکلاسیک‌ها به آنها توجه نمی‌شود (پاداش و نیکو نسبیتی، ۱۳۱، ۱۳۸۷).

در این میان نهادیون با طرح هزینه مبادله، نهادها را به عنوان

عوامل توضیح‌دهنده تفاوت در عملکرد اقتصادی معرفی می‌کنند. آنها معتقدند که نهادها برای کاهش هزینه‌های مبادله به‌وجود آمده و تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی (نورث^۷، ۱۹۹۰) و مبادلات اقتصادی (ویلیامسون^۸، ۱۹۹۸) هستند و می‌توانند آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان داشته باشند.

نورث (۱۹۹۰) معتقد است هزینه‌های تعیین و تنفیذ قراردادها، و هزینه‌های کسب اطلاعات درباره شرایط متغیر بازار، بر کیفیت نهادها اثر می‌گذارد و کیفیت نهادها نیز از این طریق فعالیت کارآفرینی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. براساس نظرات نورث (۱۹۹۰) محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین توسعه اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود که بر سایر مشخصات مانند کیفیت حکمرانی، دسترسی به سرمایه و سایر منابع، و ادراکات کارآفرینان اثر می‌گذارد.

نورث نهادهای کشورها را تبلور باورها می‌داند و از این‌رو معتقد است که نهادها را نمی‌توان به کشورهای دیگر صادر کرد. وی بیان می‌کند نهادها قواعد بازی و سازمان‌ها بازیکنان هستند. سازمان‌ها مجموعه افرادی هستند که هدف مشترکی را دنبال می‌کنند. به اعتقاد وی سازمان‌ها انعکاس‌دهنده فرصت‌هایی هستند که نهادها ایجاد می‌کنند. اگر چارچوب نهادی برای کار خلاف پاداش دهد، سازمان‌ها در جهت خلافتکاری و دزدی سامان می‌یابند و اگر چارچوب نهادی به فعالیت‌های تولیدی پاداش دهد، در این صورت سازمان‌هایی به‌وجود می‌آیند که فعالیت‌های مولد و تولیدی را ترویج می‌دهند (نورث، ۱۹۹۴: ۳۶۱).

نورث معتقد بود که تحول نهادی حاصل تعامل میان سازمان‌ها و نهادهاست. سازمان‌ها در پیگیری اهداف خود به تدریج ساختار نهادی را دگرگون می‌کنند. دلیل بروز تغییرات این است که افراد پی می‌برند با تجدید ساختار مبادلات سیاسی یا اقتصادی بهتر می‌توانند عمل نمایند. وی در توضیح بیشتر این مسئله می‌گوید، عامل تغییر شخص کارآفرین است که به محرک‌های لحاظ نشده در چارچوب نهادی واکنش نشان می‌دهد.

در این میان بامول^۹ (۱۹۹۰) که یکی از نظریه‌پردازان کارآفرینی است، تحلیل وسیع‌تری از انواع کارآفرینی بیان می‌کند که در محیط‌های نهادی مختلف به‌وجود می‌آیند. به نظر بامول در یک محیط نهادی که منافع و پاداش‌ها برای فعالیت‌های رانت‌جویانه، بیشتر از

6. palmer
7. North
8. Williamson
9. Baumol

1. Mirriam- Webster Collegiate Dictionary
2. Cantillon
3. Blaug
4. Sturges
5. Schumpeter

از آن را پدید می‌آورد. در مقابل، شرایط طرف عرضه، بیانگر عواملی است که در ایجاد و به‌کارگیری هشیاری کارآفرینان موثر است. به نظر هارپر اقتصاددانان باید به عرضه کارآفرینی توجه داشته باشند.

مطالعات اخیر درباره نهادها و کارآفرینی، عموماً با تأکید بر یک نوع خاص نهاد، مانند دولت، حقوق مالکیت، آزادی و غیره انجام شده است. راسل، کلارک و لی^۵ (۲۰۰۷) معتقدند که دولت به روشنی می‌تواند کارآفرینی را تحت‌تأثیر قرار دهد. سیاست‌های عمومی، اساساً با تعریف سیاست‌های مختص کارآفرینی و نیز ایجاد یک ساختار نهادی، پویایی‌های کارآفرینی در یک کشور یا منطقه را تعیین می‌کنند.

تأمل در مجموعه نظریه‌ها نشان می‌دهد که در ادبیات اقتصادی، دو نگاه متفاوت در تبیین کارآفرینی وجود دارد. در یک‌سو مکتب نئوکلاسیک قرار دارد که کارآفرینی را فقط تحت‌تأثیر قیمت‌های نسبی می‌داند و در سوی دیگر، پارادایمی وجود دارد که با وجود تنوع نظریات در آن، همگی بر نقش نهادها در کارآفرینی تأکید می‌کنند. در واقع، در حالی که نظریه نئوکلاسیک، کارآفرینی را عامل مهمی در توسعه کشورها تلقی می‌کند، نظریه نهادی، محیط نهادی کشورها را عامل مهمی در کارآفرینی می‌داند. در این میان هم نهادگراها و هم پیروان مکتب اتریش کارآفرین را در تحول نهادی موثر می‌دانند. اما پیروان مکتب اتریش بر تأثیر فعالیت‌های کارآفرینی در بهبود کارکرد نهادها به خصوص نهاد بازار تأکید دارند.

– کارکرد انواع نهادها و نقش آن در عملکرد اقتصادی و سطح کارآفرینی

با عنایت به مطالب ارائه شده در بخش قبلی، محیط نهادی کشورها عامل مهمی در توسعه کارآفرینی است. از این‌رو در ادامه، انواع نهادها از دیدگاه نهادگرایان و نقش هرکدام از آنها در عملکرد اقتصادی و کارآفرینی پرداخته می‌شود.

در ادبیات نهادگرایی، نهادها به گروه‌های مختلف تقسیم شده است. به اعتقاد نورث (۱۹۸۱)، چارچوب نهادی، سه طبقه قواعد نهادی را شامل می‌شود؛ قواعد اساسی، قواعد عملیاتی و کدهای رفتاری هنجاری. قواعد اساسی، شاکله عمومی نظم سیاسی را تعیین می‌کند. این قواعد ساختاری را ارائه می‌کنند که فرایند درحال پیشرفت وضع قوانین معمولی (مانند قواعد عملیاتی) را تنظیم می‌نماید. همچنین قواعد اساسی، اصول عمومی و بنیادینی هستند که ساختار اساسی حقوق مردم، مانند حقوق مالکیت را تعریف

هزینه‌های آنهاست، کارآفرینی نامولد پدید خواهد آمد. کارآفرینی نامولد به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که به کارآفرین منفعت می‌رساند، ولی برای کل اقتصاد منفعتی ندارد. به‌طور مشابه، اگر پاداش‌ها در جامعه به سوی کارآفرینی بهره‌ور گرایش داشته باشند، یعنی کارآفرینی که اثر مثبت بر رشد دارد، آنگاه این شکل کارآفرینی، اولویت خواهد داشت. در هر مورد، کارآفرینان به انگیزه‌های موجود در محیطشان، هم در شکل مقررات (قواعد رسمی) و هم برحسب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غالب (قواعد غیررسمی) اهمیت می‌دهند. از تحلیل بامول چنین برداشت می‌شود که جوامع با نهادهای کارآتر، کارآفرینی مولد بیشتر و کارآفرینی مخرب کمتری دارند.

گرزرنر^۱ (۱۹۹۷) از جمله محققین مکتب اتریشی است که در توصیف کارآفرینی از نقش نهادها در اقتصاد استفاده می‌کند. به نظر گرزرنر فعالیت کارآفرینانه اساساً یک فعالیت رقابتی است و رقابت در ماهیت فرایند بازار نهفته است. وی با توصیف نقش دولت در اقتصاد، به دو نوع محدودیت بازار شامل محدودیت‌های درونی و بیرونی اشاره می‌کند. محدودیت‌های درونی، همان موارد شکست بازار است. این محدودیت‌ها ناظر بر مواردی است که بازار در دستیابی به کارایی، به‌طور خودتنظیم عمل می‌کند. محدودیت‌های بیرونی، برحسب نهادها به‌ویژه حقوق مالکیت، آزادی و امکان اجرای قراردادها تعریف می‌شوند (نیکو نسبتی و پاداش، ۱۳۸۷، ۱۴۱).

البته گرزرنر بیش از هر چیز معتقد بود که کارآفرین فرد هوشیاری است که از فرصت‌های سودآور و کشف نشده استفاده می‌کند. در این خصوص هایک^۲ (۱۹۳۷) بر نقش کارآفرین در تحصیل و به‌کار بردن اطلاعات تأکید می‌ورزد. وی معتقد است که کارآفرین نسبت به استفاده از فرصت‌های سودآور از طریق عملیاتی همانند ارزان خریدن و گران فروختن در جای دیگر اقدام می‌کند و این اقدامات کارآفرین، او را در بازار به عنصر اصلی بدل می‌کند. به نظر هایک کارآفرین کسی است که نسبت به تغییرات واکنش نشان می‌دهد و بازار را در رسیدن به تعادل یاری می‌نماید (کاسون^۳، ۱۹۸۲).

در این میان هارپر^۴ (۲۰۰۳) با الهام از چارچوب نهادی موردنظر نورث و ایده کارآفرینانه گرزرنر، شرایط نهادی که منجر به کارآفرینی می‌شود، را تبیین می‌کند؛ هارپر (۲۰۰۳)، شرایط نهادی برای سوق دادن اقتصاد به سوی کارآفرینی را به دو قسمت طبقه‌بندی می‌کند: شرایط طرف تقاضا و شرایط طرف عرضه. شرایط طرف تقاضا، به انگیزه‌های اقتصادی در محیط بازار اشاره دارد و اختلافات قیمتی منتج

عنایت به کارکرد نهادهای نوع اول که براساس نظرات ویلیامسون و شرلی این نهادها با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند، به عبارتی این نوع نهادها بر سهولت و یا بوروکراسی انجام کار و مبادلات برای واحدهای اقتصادی و در واقع بهبود فضای کسب‌وکار تاکید دارند.

علاوه بر موارد فوق آنچه در تقسیم‌بندی نهادها حاصل می‌شود نقش مهم دولت در عملکرد اقتصاد و به تبع آن در کارآفرینی است. در مطالعه‌ای که توسط اوباجیو الوگو^۷ (۲۰۱۴) درباره نقش سیاست‌های دولتی بر توسعه کارآفرینی صورت گرفت، به نقش مهم سیاست‌های دولت بر توسعه کارآفرینی و همچنین بهبود عملکرد کسب‌وکارها اذعان شده است. لی^۸ و همکاران (۲۰۱۳) نیز نقش سیاست‌های دولتی در سطح اجتماعی را در جهت بهبود فضای کارآفرینی بررسی نمودند و معتقدند دولت باید سیاست‌های خود را با در نظر گرفتن دو عامل افزایش عایدی بنگاه‌های کارآفرین و کاهش ضرر و زیان آنها اتخاذ نماید. مینیتی^۹ (۲۰۰۸) در پاسخ به این سوال که سیاست‌های دولت در توسعه کارآفرینی مولد است یا مخرب؟ به نقش مهم دولت در شکل دادن به قوانین بازی برای کارآفرینان دلالت دارد، تلاش‌های دولت در سطح اجتماعی می‌تواند محدودیت‌های کارآفرینی را به وسیله کم‌کردن هزینه‌های فرصت برای کسب‌وکارهای جدید کاهش دهد (آدرتیچ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۴). با بررسی بعضی از شکست‌های کارآفرینانه می‌توان اثرات مثبت سیاست‌های دولت را در کاهش ضرر کارآفرینان مشاهده نمود که این امر باعث تشویق ریسک‌پذیری توسط کارآفرینان می‌شود. سیاست‌های دولت به نوبه خود منجر به شکل‌دهی محیطی نهادی می‌شود که در آن تصمیمات کارآفرینانه اتخاذ می‌شود.

در ادبیات کارآفرینی سه مکتب اصلی اقتصادی، فرهنگی و مکتب اجتماعی سیاسی شناسایی شده‌اند. مکتب سوم بیان می‌کند فرصت‌ها در شبکه پیچیده‌ای از روابط اجتماعی که فعالیت اقتصادی را تعدیل می‌کند، موجود هستند. به‌طور کلی طبق این دیدگاه، فرصت‌ها در ساختارهای شبکه‌ای وجود دارند ولی عاملین اجتماعی بایستی منابع شبکه‌ای را به بهره‌برداری از آنها تجهیز کنند. شبکه‌ها انواع فرصت‌های ساختاری در دسترس را تعریف می‌کنند. لذا موقعیت شبکه‌ای نقشی محوری در قادرسازی عاملین اجتماعی برای کشف فرصت‌ها ایفا می‌کند. در این دیدگاه استدلال شده که سازوکارهای دولتی اهمیت

می‌کنند. قواعد عملیاتی، مانند قوانین و مقررات موضوعات مختلف، روابط مبادله در درون ساختار قواعد اساسی را تصریح می‌کنند. قواعد رفتاری هنجاری، کدهای رفتار اخلاقی هستند که به قواعد اساسی و عملیاتی، مشروعیت می‌بخشند.

ویلیامسون (۲۰۰۰) معتقد است دو سطح از نهادها بر عملکرد اقتصادی تاثیر می‌گذارند. سطح اول شامل نهادهای کلان هستند که دولت و دیگر بازیگران قدرتمند را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند و سطح دوم نهادهای خرد را دربر می‌گیرد که با کاهش هزینه‌های معاملات، فضای کسب‌وکار را تسهیل می‌کنند. مطابق تئوری نهادگرایی، فضای نهادی خرد متاثر از فضای نهادی کلان بوده و در این خصوص برخی بررسی‌ها نشان می‌دهند که نوع رابطه بین نهادهای خرد و کلان در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته می‌تواند متفاوت باشد.

شرلی^۱ (۲۰۰۸) وجود دو نوع از نهادها را برای توسعه ضروری می‌داند: (۱) نهادهایی که بر دولت و دیگر بازیگران قدرتمند تاثیر می‌گذارند و از حقوق مالکیت و افراد در مقابل آنها حفاظت می‌کنند و خطر مصادره اموال و نقض قوانین را کاهش می‌دهند. (۲) نهادهایی که با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند. به عبارتی شرلی سطوح دوم و سوم نهادی چارچوب ویلیامسون را در قالب نهادهای نوع اول و دوم بحث نموده است که در مطالعه جانی (۱۳۹۹) از آنها به نهادهای کلان و خرد یاد شده است.

با عنایت به تحلیل‌های فوق، نهادهای مختلفی در عملکرد اقتصاد و سطح کارآفرینی موثر هستند و کارکرد هر کدام از آنها می‌تواند در کشورهای مختلف برحسب سطح توسعه آنها، متفاوت باشد. دقت‌نظر در ویژگی نهادهای نوع اول که در مطالب فوق توصیف آن براساس نظریات نورث، ویلیامسون، شرلی (سطوح نهادی قواعد اساسی که توسط نورث معرفی شد و یا نهادهای سطح اول که ویلیامسون و شرلی به آن تاکید داشتند) صورت گرفت، مفهوم حکمرانی را در ذهن تداعی می‌کند. کافمن^۲ (۲۰۱۳) حکمرانی را نهادها، آداب و رسوم رسمی و غیر رسمی تعریف می‌کنند که به‌وسیله آنها در یک کشور قدرت در جهت مصلحت عمومی اعمال می‌شود. حکمرانی خوب بر انتقاد و پاسخ‌گویی^۳ دولت، کارآمدی دولت^۴، کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات^۵، حاکمیت قانون^۶ در جامعه، ثبات سیاسی^۷ و کنترل فساد^۸ توجه داشته و ناظر بر رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران قدرتمند نسبت به حقوق مالکیت افراد است. همچنین با

7. Political Stability
8. Control of Corruption
9. Obaji, N. and M. Oluju
10. Lee
11. Minniti
12. Audretsch

1. Shirley
2. Kauffman
3. Voice & Accountability
4. Government Effectiveness
5. Regulatory Quality
6. Rule of Law

خصوص دل‌انگیزان و همکاران (۱۳۹۶) معتقدند با افزایش حجم پول تورم و نااطمینانی تورم افزایش می‌یابد که به عنوان مانعی بر توسعه کارآفرینی مطرح است.

پیشینه تحقیق

صمدی^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نهادها و کارآفرینی» به بررسی رابطه علیت بین کارآفرینی و سطح توسعه نهادها در سه نوع متفاوت از کشورها (کشورهایی که رشد اقتصادی در آنها متأثر از رشد عوامل، رشد کارایی و رشد نوآوری است) طی دوره (۲۰۰۸-۲۰۱۴) پرداختند. بررسی وی با رویکرد علیت انگل- گرنجر به تفکیک دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌باشد. یافته‌های مطالعه نشان می‌دهد که علیت بلندمدت دوطرفه بین کارآفرینی و نهادها فقط در کشورهای نوآور محور وجود دارد.

زولتان^۳ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «کارآفرینی، اقتصادی نهادی و رشد اقتصادی» به بررسی عوامل تعیین‌کننده رشد با استفاده از عوامل تولید، عوامل نهادی و کارآفرینی طی دوره (۲۰۰۲-۲۰۱۱) برای ۴۶ کشور پرداختند. بدین منظور آنها از تابع تولید کاپ داگلاس و رویکرد داده‌های پانلی استفاده نمودند. هدف آنها از انجام این مطالعه پاسخ به این پرسش است که آیا ترکیب سطح کارآفرینی و نهادها می‌تواند تفاوت بین رشد اقتصادی کشورهای را توضیح دهد یا نه؟ رویکرد بررسی به صورت مفهومی و براساس تحلیل شواهد تجربی صورت گرفته است. درنهایت نتایج مطالعه آنها از این فرضیه که ترکیب کارآفرینی و محیط نهادی می‌تواند تفاوت بین رشد اقتصادی کشورها را توضیح دهد، حمایت می‌کند.

یانگ^۴ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل نهادی موثر بر کارآفرینی در کشورهای توسعه‌یافته با تاکید بر شهر شنزن چین» پرداخته و با بیان جنبه‌های مختلفی از نهادها به بررسی تاثیر نهادها بر کارآفرینی و تاثیر توسعه کارآفرینی بر نهادها در شهر شنزن چین برای سال ۲۰۱۷ پرداخته است. در این مطالعه با رویکرد توصیفی- علی و براساس نظریه‌های مختلف کارآفرینی، رابطه بین توسعه نهادهای مختلف و کارآفرینی مورد تایید قرار گرفته و درنهایت پیشنهاداتی به منظور اصلاح نهادی و توسعه کارآفرینی ارائه شده است. پاول^۵ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «تعیین‌کننده‌های کارآفرینی» به بررسی عوامل تعیین‌کننده کارآفرینی با رویکرد تحلیل و توصیفی پرداخت. او با مقایسه کشورهای مختلف جهان به این نتیجه رسید که

زیادی در کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینی دارد، چراکه آنها روابط عاملین در شبکه‌های اجتماعی را تنظیم می‌کنند. این سازوکارها نشان‌دهنده قوانین بازی هستند و به هنجارهای اجتماعی که افراد را تنظیم می‌کنند و نیز قوانین اجتماعی که توسط نهادهای خارجی تحمیل می‌شوند، اشاره دارد. (کامپانیز و مک مولن^۱، ۲۰۰۷).

علاوه بر متغیرهای نهادی فوق‌الذکر، از دیگر متغیرهای نهادی موثر بر کارآفرینی که در بسیاری از مطالعات مورد استفاده قرار گرفته، آزادی اقتصادی است. مفهوم آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی خود است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۵) در تحلیل تاثیر آزادی اقتصادی بر کارآفرینی بیان می‌کنند، فضای آزاد اقتصادی افراد را برای سرمایه‌گذاری در افزایش مهارت‌های کارآفرینانه تشویق می‌کند، کشورهایی با سطوح آزادی اقتصادی بیشتر، میزان بالاتری از آزمایش خطا را نیز تجربه می‌کنند. افراد اجازه پیدا می‌کنند ایده‌های منحصر به فرد خود برای تولید محصولات جدید را امتحان کنند. آزادی اقتصادی و در مقابل، محدود شدن دخالت دولت از کانال‌های مختلفی بر توسعه کارآفرینی تأثیر می‌گذارد. کانال دیگر تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر کارآفرینی به ارتباط آزادی اقتصادی با حفاظت از حقوق مالکیت مربوط می‌شود. وقتی افراد نتوانند به درستی صاحب آفریده خود باشند، ممکن است هرگز به فعالیت‌های نوآورانه دست نزنند. آزادی اقتصادی ارتباط نزدیکی با ساختار نظارتی جوامع و بوروکراسی اداری دارد. وجود قوانین متعدد و نظارت‌های بیش از حد فشارهایی را بر بنگاه‌ها به‌ویژه بنگاه‌های تازه‌تأسیس وارد می‌آورد که مانع از ادامه کار آنها می‌شود. یکی دیگر از کانال‌های تأثیر حضور گسترده دولت بر توسعه کارآفرینی این است که محدودیت در آزادی‌های اقتصادی و نظارت‌های شدید، انگیزه افراد را برای ورود به فعالیت‌های رانت‌جویانه به جای کارآفرینی تشدید می‌کند. درحقیقت، فساد و رانت در بخش عمومی و دولتی معنی واقعی پیدا می‌کند. وقتی نزدیک‌شدن به منابع رانت و فساد موجب موفقیت‌های اقتصادی شود، آنها تشویق می‌شوند از تنش‌های تولید و کارآفرینی دور شوند و به این فعالیت‌ها رو آورند. نکته مهم دیگر، بی‌ثباتی و نوسان تورم است. تورم به عنوان عامل بی‌ثباتی در اقتصاد، موجب انتقال منابع مالی به سمت بخش غیرمولد مانند زمین، مسکن، ارز و فلزات قیمتی می‌شود و منابع سایر بخش‌ها را محدود می‌کند. در این

زیربسی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی» به بررسی اثر محیط سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد چارچوب نهادی کشورها بر فعالیتهای کارآفرینانه برای دوره (۲۰۰۸-۲۰۱۵) با رویکرد داده‌های پانلی می‌پردازد. بدین منظور دو متغیر فرصت کارآفرینی و ضرورت کارآفرینی را تعریف می‌کند. متغیر فرصت کارآفرینی برابر با آن درصد از فعالیتهای کارآفرینی است که عاملان آن به علت شناسایی فرصت و به قصد کسب سود اقدام به آن فعالیت کرده‌اند. متغیر ضرورت کارآفرینی برابر با آن درصد از فعالیتهای کارآفرینی است که افراد به این علت به آن مشغول شده‌اند که چاره و انتخاب دیگری برای اشتغال نداشته‌اند. نتایج مطالعه زیربسی حاکی از آن است که ریسک سیاسی اثر منفی بر شفافیت و قابل پیش‌بینی بودن محیط کلان اقتصادی و اجتماعی، نرخ سرمایه‌گذاری، مدت‌زمان روی کار ماندن سیاست‌گذار و قابلیت دوام سیاست‌های عمومی می‌گذارد که مجموع این عوامل مانع رشد خلاقیت، کارآفرینی و تصمیمات بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌شوند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ریسک سیاسی تأثیری منفی و معنی‌دار بر فرصت کارآفرینی داشته است درحالی‌که این متغیر تأثیری مثبت و معنی‌دار بر ضرورت کارآفرینی داشته است.^۵

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی» به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب پرداختند. تحلیل آنها با رویکرد داده‌های ترکیبی پویا در بازه زمانی ۲۰۰۴-۲۰۱۳ انجام گرفته است. براساس نتایج مطالعه آنها، آزادی اقتصادی بستر مناسبی برای ارتقای فعالیتهای کارآفرینانه ایجاد می‌کند. همچنین، بررسی تأثیر سایر عوامل نشان می‌دهد توسعه انسانی (آموزش، بهداشت، تولید سرانه)، تقویت اثربخشی دولت و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معنی‌دار بر توسعه فعالیتهای کارآفرینی دارد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۵) عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان ایرانی را به‌صورت میدانی بررسی نموده و پس از تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از نمونه آماری در نهایت سه دسته عوامل برای توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان یعنی عوامل زمینه‌ای، عوامل بازدارنده، عوامل توانمندساز را مورد شناسایی قرار می‌دهد. فتح‌الهی و قبادی الوار (۱۳۹۳) با مطالعه درخصوص توسعه مبتنی بر کارآفرینی و تطبیق کارآفرینی در ایران با کشورهای توسعه‌یافته، کارآفرینی کشورهای غربی و کشور ایران را برای سال ۱۳۹۳ به‌صورت

فرهنگ محلی، توسعه اجتماعی، وجدان حرفه‌ای و آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی تاثیر مهمی در شکل‌گیری رفتارهای کارآفرینانه دارد. فاروق^۱ و همکاران (۲۰۱۶) مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی» با رویکرد تحلیلی و توصیفی در کشور بنگلادش انجام داد. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی، انگیزه‌های انتفاعی، آموزش و مهارت، شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌های ملی و محلی و حمایت‌های محلی تاثیر مثبتی بر روی کارآفرینی دارند.

آیگبا و اومال^۲ (۲۰۱۶) با رویکرد تحلیلی و توصیفی مطالعه‌ای تحت عنوان «عوامل توسعه کارآفرینی در کشور نیجریه» با استفاده از داده‌های سال ۲۰۱۵ پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که کاهش فقر، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و رشد درآمد سرانه تاثیر مثبتی بر کارآفرینی دارند. همچنین آنها متوجه شدند که فساد، آموزش‌های نامناسب، نبود امکانات و سرمایه و سیاست‌های نامناسب دولت اثر منفی بر کارآفرینی می‌گذارد.

هررا اچوری و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، کیفیت نهادی، آزادی اقتصادی و کارآفرینی» را به تفکیک ۸۷ کشور با درآمد بالا، درآمد پایین و اقتصادهای نوظهور برای دوره (۲۰۰۴-۲۰۰۹) با استفاده از رویکرد داده‌های پانلی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته‌اند آزادی اقتصادی تاثیر مثبت و معنی‌دار بر تمایل به شروع کسب‌وکارهای جدید دارد.

بررسی و تحلیل رویکرد مطالعات فوق و مقایسه آن با رویکرد برخی مطالعات از جمله مطالعه لرنس و هابر^۴ (۲۰۰۰) که عوامل موثر بر فعالیتهای کارآفرینانه را به عواملی همانند ویژگی‌های فردی کارآفرینان، حمایت‌های مالی و مشورتی دولتی، جذابیت محیطی محل فعالیت شرکت و تنوع خدمات قابل نسبت می‌دهند، نشان می‌دهد که درخصوص عوامل موثر بر کارآفرینی، مطالعات اخیر به فضای حاکم بر محیط فعالیت بیشتر توجه نموده و در برخی از آنها بر نقش دولت در ایجاد چنین فضایی تاکید شده است.

قادری مقدم (۱۳۹۸) با این رویکرد که فراهم‌نمودن بسترهای مناسب در جامعه موجب رشد کارآفرینی می‌شود به بررسی تأثیر فضای کسب‌وکار بر توسعه کارآفرینی در ۲۲ کشور درحال توسعه از جمله ایران پرداخته و با استفاده از تکنیک داده‌های تابلویی نشان داده‌اند که سهولت کسب‌وکار، نرخ رشد اقتصادی، اندازه دولت دارای تاثیر مثبت و معنادار و نرخ فلاکت دارای اثر منفی بر کارآفرینی است.

۵. در این خصوص مک ملان و همکاران (۲۰۰۸) (McMullen, et. al.) با بررسی داده‌های مربوط به ۳۷ کشور جهان به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های آزادی اقتصادی در کارآفرینی بر مبنای فرصت و کار آفرینی بر مبنای ضرورت اثر مثبت دارد.

1. Faruk
2. Ayegba, s Ojonugwa & Omale, Sunday Alewo
3. Herrera-Echeverri, H., Haar, J. & Estévez-Bretón, J. B.
4. Lerner & Hsber

متفاوت باشد. بر این اساس در این مطالعه به پیروی از شرلی، ویلیامسون و نورث، نهادها در دو سطح نهادهای نوع اول و نوع دوم برای دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین مطابق مطالب ارائه در مبانی نظری، سیاست‌های دولت و آزادی اقتصادی نقش مهمی در کارآفرینی دارند. بر این اساس الگوی زیر بر مبنای مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این مطالعه مد نظر قرار می‌گیرد.

$$TEA_{it} = F(DO_{it}, FREE_{it}, G, GDP_{it}, GOV_{it}, MS_{it})$$

که در آن TEA ، DO ، $FREE$ ، G ، GDP ، GOV و MS به ترتیب، شاخص فعالیت کارآفرینی، شاخص کسب‌وکار، آزادی اقتصادی، مخارج دولت، رشد اقتصادی، حکمرانی خوب و حجم پول می‌باشند. داده‌های مربوط به کارآفرینی از گزارش‌های سالانه سازمان دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۱ و گزارش فضای کسب‌وکار بانک جهانی^۲، رشد اقتصادی، حکمرانی خوب، مخارج دولت و حجم پول از سایت بانک جهانی و همچنین داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی از آمارهای سازمان بنیاد هریتیج^۳ گرفته شده است. i و t به ترتیب به کشور و زمان دلالت دارند.

شاخص کارآفرینی (TEA) همان شاخص دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM1) است و فعالیت‌هایی را سنجش و ارزیابی می‌کند که بر سه محور گرایش‌ها و ادراکات (دیدگاه عموم، درک قابلیت‌ها و فرصت‌ها و رویارویی با شکست)، فعالیت‌ها (راه‌اندازی یا مدیریت کسب‌وکار جدید شامل کارآفرینی نوظهور، نوپا، فرصت‌گرا، نوپا اجباری، تثبیت شده و خروج از کسب‌وکار) و اشتیاق (جهت‌گیری‌های سیاستی برای اشتغال زایی) استوار است (مدرسی عالم و داودی، ۱۳۹۳). این شاخص عددی بین صفر و یک می‌باشد که برای کشورهای با کارآفرینی بالا، نزدیک به یک است.

شاخص حکمرانی خوب^۴ (GOV) همان‌طور که در بخش قبلی نیز بیان شد، نهادهای سطح اول را مورد سنجش قرار می‌دهد. شاخص حکمرانی خوب برای تبیین و سنجش حکمرانی کشورها، سالانه توسط بانک جهانی تهیه می‌شود و شامل مولفه‌هایی است که بر انتقاد و پاسخ‌گویی^۵ دولت، کارآمدی دولت^۶، کیفیت و چگونگی تنظیم مقررات^۷، حاکمیت قانون^۸ در جامعه، ثبات سیاسی^۹ و کنترل فساد^{۱۰} توجه داشته و ناظر بر رفتار دولت‌ها و دیگر بازیگران قدرتمند نسبت به حقوق مالکیت افراد است.

توصیفی و علی مورد بررسی قرار داده و بیان می‌کند که سیاست‌های حمایتی دولت بر اساس محورهای تنظیمی، شناختی و هنجاری (برنامه سوم توسعه)، بسترسازی و ایجاد زیرساخت‌های لازم و تخصیص بودجه بر کارآفرینی از جمله راهکارهای ارتقای کارآفرینی در کشورهاست. آنها با بررسی نقش کلیدی کارآفرینی و کارآفرینان در روند توسعه و پیشرفت اقتصادی به این نتیجه رسیده‌اند که در یک کشور، کارآفرینی به تاسیس شرکت‌ها و ثروت‌آفرینی منجر می‌شود و در نهایت به توسعه و رشد اقتصادی، افزایش مشاغل، کاهش فقر و ... در جامعه کمک می‌کند.

چراتیان و قربانی (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی آثار سیاست‌های پولی و مالی بر روی کارآفرینی پرداختند. آنها با استفاده از مدل‌های رشد اقتصادی و رهیافت داده‌های تابلویی در بازه زمانی ۲۰۰۲-۲۰۰۷ نحوه ارتباط بین متغیر کارآفرینی زنان با سایر متغیرهای کلان اقتصادی را آزمون کردند. نتایج مطالعه آنها بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین متغیر کارآفرینی و سیاست‌های پولی و مالی است.

عیسی‌زاده و مهرانفر (۱۳۹۱) به بررسی نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان پرداخته و بدین منظور، از شاخص آزادی اقتصادی به عنوان عامل نهادی و از نرخ خوداشتغالی به عنوان شاخص کارآفرینی به روش داده‌های تابلویی در دوره (۲۰۰۹-۱۹۹۰) استفاده کردند. نتایج مطالعه مذکور حاکی از آن است که اندازه کوچک دولت، ساختار بهتر قانون و حمایت از حقوق مالکیت افراد، باعث افزایش خوداشتغالی می‌شوند. همچنین آزادی تجاری و بوروکراسی پایین در بازار اعتباری، بازار کار و فضای کسب‌وکار اثری منفی بر نرخ خوداشتغالی دارند.

پاداش و نیکو نسبتی (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نقش نهادها در توسعه کارآفرینی» به تحلیل نظریه مکتب نهادگرایان در خصوص کارآفرینی پرداخته و پس از بررسی نظریه‌های مکاتب مختلف در خصوص کارآفرینی بیان می‌کنند که نظریه نهادی داگلاس نورث در تبیین نهادی نظریه‌پردازان کارآفرینی باز نمود یافته و از این طریق، رویکرد نهادی کارآفرینی در ادبیات اخیر گسترش یافته است.

تحلیل عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی و معرفی الگو

با عنایت به تحلیل‌های صورت گرفته در مبانی نظری، نهادهای مختلفی در عملکرد اقتصاد و سطح کارآفرینی موثر هستند و کارکرد هر کدام از آنها می‌تواند در کشورهای با سطوح توسعه مختلف،

6. Government Effectiveness
7. Regulatory Quality
8. Rule of Law
9. Political Stability
10. Control of Corruption

1. Global Entrepreneurship Monitor
(<https://www.gemconsortium.org/>)
2. <https://archive.doingbusiness.org/en/reports/global-reports>
3. <https://www.heritage.org/index/>
4. Good Governance Indicator
5. Voice & Accountability

۲۰ کشور توسعه‌یافته^۳ را طی دوره زمانی (۲۰۰۰-۲۰۱۶) به صورت داده‌های پانلی برآورد می‌شود. از آنجا که اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته محدود به یک دوره نمی‌شود و اثرات تغییر در متغیر مستقل معمولاً برای چند دوره بعد نیز ادامه می‌یابد. لذا الگو به صورت پویا برآورد می‌شود به این معنی که وقفه متغیر وابسته با وقفه نیز در طرف راست مدل وارد می‌شود و در تخمین الگو از روش گشتاور تعمیم‌یافته سیستمی (SYS_GMM) استفاده می‌کنیم. استفاده از این روش چندین مزیت دارد. اول اینکه در الگوهای پویا برای داده‌های تابلویی استفاده از اثرات ثابت یا تصادفی، تورش ضرایب را به همراه دارد. اما استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته سیستمی ضرایب را بدون تورش برآورد می‌نماید. همچنین چنانچه در بخش مبانی نظری بیان شد برخی متغیرها از جمله متغیرهای نهادی در حالی که بر میزان کارآفرینی تاثیر می‌گذارند از سطح کارآفرینی نیز تاثیر می‌پذیرند. لذا در داده‌های پانلی مورد بررسی، ممکن است برخی متغیرها درون‌زا باشند و استفاده از روش حداقل مربعات معمولی، تورش همزمانی و ناسازگاری را به دنبال داشته باشد. روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی با به کارگیری متغیرهای ابزاری مناسب این مشکل را نیز رفع می‌نماید.

یافته‌ها

برای جلوگیری از رگرسیون کاذب، متغیرهای پژوهش به لحاظ مانایی مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن در جدول (۱) ارائه شده است. آزمون‌های مانایی داده‌های تابلویی معمولاً می‌تواند از دو روش آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک^۴ و آزمون ریشه واحد برای هر مقطع^۵ صورت پذیرد. در این خصوص لوین، لین و چو^۶ (۲۰۰۲) نشان دادند که در داده‌های تابلویی، استفاده از آزمون ریشه واحد برای داده‌های مشترک، دارای قدرت بیشتری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد برای هر مقطع به صورت جداگانه می‌باشد. لذا در این مطالعه برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لوین، لین و چو استفاده گردید. نتایج به دست آمده از آزمون نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پژوهش در سطح مانا است.

شاخص سهولت فضای کسب‌وکار^۱ (DO) سطح دوم نهادی را اندازه‌گیری می‌کند براساس نظرات ویلیامسون و شرلی این نهادها با کاهش هزینه‌های معاملات و ایجاد اعتماد، مبادلات را تسهیل می‌کنند و فضای کسب‌وکار را بهبود می‌بخشند. شاخص مذکور که توسط بانک جهانی برای همه کشورها در سال‌های مختلف تهیه می‌شود، زمان، هزینه و تعداد فرایند انجام کار مورد نیاز برای فعالیت‌های اقتصادی را از زمان شکل‌گیری، ادامه فعالیت و در نهایت انحلال و تسویه آنها را در کشورها مورد سنجش قرار می‌دهد و به عبارتی سهولت و یا بوروکراسی انجام کار و مبادلات برای واحدهای اقتصادی را در کشورها اندازه‌گیری می‌نماید.

شاخص آزادی اقتصاد (FREE) فریزر شامل پنج مورد حجم و اندازه دولت، ساختار قانونی امنیت حقوق مالکیت، دسترسی به نقدینگی سالم، آزادی تجارت خارجی و قوانین مالی و بازار کار می‌شود. همچنین، اندازه‌گیری آزادی اقتصادی از سوی مؤسسه هریتیج، از طریق شاخص‌های آزادی کسب‌وکار، آزادی نیروی کار، آزادی تجاری، آزادی مالیاتی، آزادی از مداخله دولت، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی مالی، حقوق مالکیت و آزادی از فساد انجام می‌گیرد. در این مطالعه برای اندازه‌گیری درجه آزادی اقتصادی از شاخص درجه آزادی بنیاد هریتیج استفاده شد.

همان‌طور که قبلاً بیان شد به منظور تبیین دقیق‌تر نقش نهادها در کارآفرینی، الگوی فوق برای دو گروه از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته برآورد می‌شود. به همین منظور متغیر مجازی DV که برای کشورهای توسعه‌یافته عدد یک و برای کشورهای در حال توسعه عدد صفر می‌باشد، معرفی می‌شود. براساس توضیحات فوق مدل نهایی مورد بررسی در این تحقیق به صورت زیر خواهد بود.

(۱)

$$TEA = F(DO_{it}, FREE_{it}, G_{it}, GDP_{it}, GOV_{it}, MS_{it}, DO_{it} * DV_{it}, FREE_{it} * DV_{it}, G_{it} * DV_{it}, GDP_{it} * DV_{it}, GOV_{it} * DV_{it}, MS_{it} * DV_{it})$$

اثر تقاطعی متغیرهای مستقل با متغیر مجازی توسعه، دلالت بر تفاوت اثرگذاری متغیر مستقل در کشورهای توسعه‌یافته نسبت به کشورهای در حال توسعه^۲ است. به عبارتی اثرات تقاطعی، نقش سطح توسعه در تغییر رفتار متغیرهای مستقل از جمله متغیر نهادی را نشان می‌دهند. الگوی (۱) برای ۴۰ کشور، شامل ۲۰ کشور در حال توسعه و

۳. آلمان، فرانسه، کره جنوبی، ژاپن، ایتالیا، بلژیک، سوئد، نروژ، ایالات متحده، استرالیا، دانمارک، هلند، کانادا، انگلستان، اسپانیا، فنلاند، سوئیس، پرتغال، لوگزامبورک، سنگاپور
4. Common Root
5. Individual Root
6. Levin, Lin & Cho

1. Ease of Doing Business

۲. ایران، پاکستان، مصر، عربستان، سوریه، الجزایر، قطر، لبنان، اردن، امارات متحده عربی، تانزانیا، اندونزی، مالزی، تایلند، عمان، یمن، شیلی، ونزوئلا، ترکیه

جدول ۱. نتایج آزمون مانایی متغیرها در سطح

متغیرها	مقدار آماره	p-value	نتایج
DO	-۳/۳	۰/۰۰	مانا
FREE	-۶/۹	۰/۰۰	مانا
G	-۴/۳	۰/۰۰	مانا
GDP	-۱۳/۶	۰/۰۰	مانا
GOV	-۵/۴	۰/۰۰	مانا
ITC	-۱۰/۶	۰/۰۰	مانا
MS	-۲/۶	۰/۰۰	مانا
TEA	-۱۴/۷	۰/۰۰	مانا

ماخذ: محاسبات محقق

مثبت و معنی‌دار بودن ضریب شاخص حکمرانی خوب (۰/۲۰) نشان از آن دارد که با بهبود شاخص حکمرانی خوب، سطح فعالیت‌های کارآفرینی در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد. در واقع حکمرانی خوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب، کاهش ناطمینانی و فساد، تقویت حقوق مالکیت و ساختار قوانین و مقررات و مشروعیت نهادهای دولتی حامی بازار، سطح کارآفرینی را افزایش می‌دهد و مسیر را برای خلق ایده‌های جدید و کارآفرینانه هموارتر می‌نماید. این در حالی است که اثر متقاطع متغیر حکمرانی خوب و متغیر مجازی سطح توسعه رقم معنی‌دار نبوده و دلالت بر آن دارد که سطح توسعه در اثرگذاری شاخص حکمرانی بر فعالیت‌های کارآفرینانه معنی‌دار نبوده و تاثیر شاخص حکمرانی بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه در هر دو گروه از کشورها یکسان است.

مثبت و معنی‌داری ضریب شاخص کسب‌وکار (۰/۰۰۶) حاکی از آن است که با انجام اصلاحات در فضای کسب‌وکار، سطح کارآفرینی کشورهای در حال توسعه کاهش می‌یابد. همچنین علیرغم اینکه اثر تقاطعی متغیر مذکور و متغیر مجازی توسعه، منفی (۰/۰۰۴۵-) است اما به دلیل اینکه قدرمطلق آن کمتر از رقم (۰/۰۰۶) است، دلالت بر آن دارد که در کشورهای توسعه‌یافته نیز سطح کارآفرینی در فضای نامساعد فضای کسب‌وکار رشد می‌کند. علیرغم اینکه به نظر می‌رسد این نتایج با تئوری‌های رایج سازگاری کمتری دارد، اما با نتایج مطالعه عیسی‌زاده و مهرانفر همخوانی دارد و با عنایت به ماهیت فعالیت‌های کارآفرینانه که در شرایط اضطرار و جهت حل مشکلاتی که با قواعد عادی جوامع قابل حل نیست، به وجود می‌آید، سازگار است. در شرایطی که بنگاه‌های اقتصادی بزرگ گرفتار رکود و کساد اقتصادی می‌شوند، کارآفرینان با مدنظر قرار دادن شرایط اقتصادی، ایده‌هایی را ارائه می‌دهند که در شرایط بد اقتصادی موفق عمل می‌کند و باعث تحرک اقتصاد می‌شود. این نتیجه با نظر هایک و گرزنر سازگار است که بیان می‌کنند کارآفرین‌ها، بازار را در رسیدن به تعادل کمک می‌نمایند و هرچه نارسایی بازار بیشتر باشد، نقش کارآفرین‌ها نیز بیشتر خواهد بود. نتایج تحقیق حاضر بر این موضوع صحه می‌گذارد.

مثبت و معنی‌دار بودن ضریب متغیر آزادی اقتصادی (۰/۰۲۵) در جدول (۲) دلالت بر آن دارد که هرچقدر آزادی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه بیشتر باشد، میزان کارآفرینی افزایش می‌یابد که مطابق با انتظارات تئوریک است. در واقع، فضای آزاد اقتصادی، افراد را برای سرمایه‌گذاری در افزایش مهارت‌های کارآفرینانه تشویق می‌کند، کشورهایی با سطوح آزادی اقتصادی بیشتر، میزان بالاتری از آزمایش خطا را نیز تجربه می‌کنند و افراد اجازه پیدا می‌کنند ایده‌های منحصر به فرد و دیوانه‌وار خود را برای تولید محصولات جدید امتحان کنند.

پس از انجام آزمون مانایی متغیرها، مدل معرفی شده در قسمت قبل برای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته با رویکرد (SYS_GMM) برآورد شد که نتایج آن به شرح جدول (۲) می‌باشد.

جدول ۲. نتایج نهایی تخمین مدل به روش گسناورهای تعمیم‌یافته

متغیرها	ضریب	آماره t	ارزش احتمال
TEA(-1)	-۰/۱۳	-۲/۵۶	۰/۰۱
DO	۰/۰۰۶	۴/۷۷	۰/۰۰
FREE	۰/۰۲۵۶	۱۰/۸	۰/۰۰
G	۰/۰۰۶	۳/۴	۰/۰۰
GDP	۰/۰۰۷	۲/۹	۰/۰۰
GOV	۰/۲	۱/۹	۰/۰۵
MS	-۰/۰۰۱	-۱/۷۳	۰/۰۸
DO*DV	-۰/۰۰۴۵	-۳/۱۲	۰/۰۰
FREE*DV	-۰/۰۲۵۹	-۴/۱	۰/۰۰
G*DV	-۰/۰۱۲	-۲/۷۸	۰/۰۰۱
GDP*DV	۰/۰۰۱	۰/۲۷	۰/۷۸
GOV*DV	-۰/۱۹	-۱/۱	۰/۲۷
MS*DV	۰/۰۰۴	۴/۱	۰/۰۰
Sargan test J statistic		۲۵/۶	۰/۶

Test order	آماره T	ارزش احتمال
AR(1)	-۳/۶	۰/۰۰
AR(2)	۰/۶۱	۰/۵

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طور که آماره سارگان نشان می‌دهد متغیرهای ابزار مورد استفاده در مدل از اعتبار لازم برخوردار بوده و براساس آزمون همبستگی سریالی مرتبه اول و دوم، خود همبستگی در مدل وجود ندارد. لازم به ذکر است که با کاهش رقم شاخص فضای کسب‌وکار، محیط کسب‌وکار بهتر و با افزایش رقم شاخص حکمرانی خوب، وضعیت نهادی در سطح کلان بهبود می‌یابد.

می‌یابد. در واقع افزایش حجم پول در کشورهای با ساختارهای نامناسب تولید، موجب می‌شود نقدینگی به سمت بازارهای مالی جریان یافته و همین امر نااطمینانی را در اقتصاد افزایش دهد که موجب افزایش کارآفرینی غیرمولد و کاهش سطح کارآفرینی مولد براساس نظر بامول می‌شود. البته چنانچه در نتایج جدول (۲) نشان داده شده است اثر تقاطعی متغیر حجم پول با متغیر مجازی سطح توسعه مثبت ($0/004$) و قدرمطلق آن بزرگتر از ضریب متغیر نقدینگی ($-0/001$) است که نشان می‌دهد در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل وجود ساختارهای مناسب تولید، افزایش حجم پول و در واقع سیاست‌های انبساطی پولی با رونق بخشیدن به فضای تولید و حمایت از فعالیتهای کارآفرینانه به ارتقاء سطح کارآفرینی کمک می‌کند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به اهمیت کارآفرینی و ارتباط آن با نهادها، در این مطالعه عوامل موثر بر کارآفرینی با تاکید بر نقش نهادها مورد بررسی قرار گرفت و به منظور تحلیل دقیق‌تر، این بررسی برای دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه و به تفکیک انواع نهادها صورت گرفت. با عنایت به سازوکار متفاوت اثرات انواع نهادها بر کارآفرینی، نهادها در دو سطح کلان و خرد مدنظر قرار گرفته و به ترتیب با شاخص‌های حکمرانی خوب و سهولت فضای کسب‌وکار اندازه‌گیری شدند. علاوه بر انواع نهادها، تاثیر متغیرهای درجه آزادی اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی دولت‌ها و همچنین رشد اقتصادی بر سطح فعالیت کارآفرینی در یک الگوی اقتصادسنجی مورد بررسی قرار گرفتند. الگوی مذکور به صورت پویا و با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته سیستمی برآورد شد.

یافته‌های تحقیق دلالت بر آن داشت که تقویت نهادهای کلان و ارتقای حکمرانی خوب به صورت معنی‌دار موجب ارتقای سطح فعالیتهای کارآفرینانه در هر دو گروه از کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته می‌شود. این درحالی است که برای هر دو گروه از کشورها، با نامساعد شدن فضای کسب‌وکار و در واقع تضعیف نهادهای خرد، سطح فعالیتهای کارآفرینی تقویت می‌شود. این نتیجه مشابه نتایج مطالعه عیسی‌زاده و مهرانفر بوده و با نظر هایک و گرزنر سازگار است که بیان می‌کنند کارآفرین‌ها، بازار را در رسیدن به تعادل کمک می‌نمایند و هرچه نارسایی بازار بیشتر باشد نقش کارآفرین‌ها نیز بیشتر خواهد بود. این یافته با نظریه نورث نیز سازگار است که بیان می‌نمود تحول نهادی حاصل تعامل میان سازمان‌ها و نهادهاست. سازمان‌ها در پیگیری اهداف خود به تدریج ساختار نهادی را دگرگون می‌کنند. وی دلیل بروز تغییرات را شخص کارآفرین می‌داند که به محرک‌های جافتاده در چارچوب نهادی واکنش نشان می‌دهد.

همچنین تاثیر مثبت آزادی اقتصادی بر کارآفرینی به ارتباط مستقیم آزادی اقتصادی و حفاظت از حقوق مالکیت دلالت دارد. وقتی افراد نتوانند به درستی صاحب نوآوری خود باشند، ممکن است هرگز به فعالیتهای نوآورانه دست نزنند.

ضریب اثر متقاطع متغیر مجازی با متغیر آزادی اقتصادی با رقم $(-0/0259)$ در جدول (۲) منفی و معنی‌دار است که با عنایت به بالا بودن قدرمطلق رقم مذکور نسبت به رقم ضریب متغیر درجه آزادی اقتصادی ($0/0256$) نشان می‌دهد که درجه آزادی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته اثر معکوس و البته ناچیز (با توجه به تفاوت اندک دو رقم مذکور) بر سطح کارآفرینی دارد که با توجه به درجه بالای آزادی اقتصادی در این کشورها حکایت از آن دارد که آزادی اقتصادی بیش از اندازه بر کارآفرینی کمک نمی‌کند.

متغیر رشد اقتصادی با ضریب $0/007$ در کشورهای درحال توسعه نشان از آن دارد که با افزایش یک واحد رشد اقتصادی، کارآفرینی به میزان $0/007$ واحد افزایش می‌یابد. این نتیجه نیز با تئوری‌های نظری اقتصاد همخوانی دارد. براساس تئوری‌های اقتصادی هرچه رشد اقتصادی بیشتر باشد، فضای کارآفرینانه نیز در جامعه پویاتر خواهد بود. در این میان عدم معنی‌داری اثر تقاطعی متغیر رشد با متغیر مجازی ($0/01$) دلالت بر آن دارد که سطح توسعه در اثرگذاری رشد اقتصادی بر فعالیتهای کارآفرینانه معنی‌دار نبوده و تاثیر رشد اقتصادی بر سطح فعالیتهای کارآفرینانه در هر دو گروه از کشورها یکسان است. ضریب متغیر مخارج دولت ($0/016$) مثبت و معنی‌دار است که نشان می‌دهد با افزایش مخارج دولت سطح فعالیتهای کارآفرینانه در کشورهای درحال توسعه افزایش می‌یابد. در واقع همان‌طور که در مبانی نظری هم به آن اشاره شد سیاست‌های دولتی نقش مهم در تشویق فعالیتهای کارآفرینانه دارد. مخارج دولت می‌تواند در قالب مخارج هزینه‌ای باشد که اثر غیرمستقیم در رشد اقتصادی و تولید دارد و یا می‌تواند به صورت مخارج عمرانی باشد که به صورت مستقیم در تولید نقش دارد. در هر دو حالت با آماده شدن فضای سرمایه‌گذاری، تولید ایده‌های کارآفرینانه نیز شکل خواهد گرفت.

اثر تقاطعی متغیر مخارج دولت و متغیر مجازی سطح توسعه $(-0/012)$ منفی و معنی‌دار است اما به دلیل اینکه قدرمطلق آن از رقم ضریب متغیر مخارج دولت ($0/016$) کمتر است، دلالت بر آن دارد که افزایش مخارج دولت و اعمال سیاست‌های انبساطی مالی در کشورهای توسعه‌یافته نیز بر سطح فعالیتهای کارآفرینانه تاثیر مثبت دارد، اما میزان اثرگذاری آن بر سطح فعالیتهای کارآفرینی در این کشورها از کشورهای درحال توسعه کمتر است.

ضریب منفی و معنی‌دار حجم پول ($-0/001$) نشان می‌دهد که با افزایش حجم پول در کشورهای درحال توسعه، کارآفرینی کاهش

می‌شود که خود متاثر از نهادهای کلان و حکمرانی خوب به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه است.^۱ در واقع تقویت سطح فعالیت‌های کارآفرینی در این کشورها مستلزم توجه و تاکید بر کارکرد مناسب نهادهای سطح کلان از جمله تقویت حقوق مالکیت، کاهش فساد و ناطمینانی، الزام دولت‌ها به پاسخگویی و انتقادپذیری و تنظیم قوانین و مقررات مناسب و با کیفیت است. براساس نتایج این مطالعه تقویت فعالیت‌های کارآفرینی، به رفع نارسایی‌ها و بهبود کارکرد نهادهای خرد کمک می‌نماید. همچنین در این چارچوب سیاستی کشورهای درحال توسعه از طریق افزایش مخارج دولت، افزایش درجه‌آزادی اقتصادی و کنترل حجم پول مناسب می‌توانند سطح فعالیت‌های کارآفرینی را تقویت نمایند. درحالی‌که برای تقویت سطح فعالیت کارآفرینی کشورهای توسعه‌یافته بر سیاست‌های پولی انبساطی تاکید می‌شود.

منابع

- پاداش، حمید و علی نیکو نسب (۱۳۸۷)، نقش نهادها در توسعه کارآفرینی، دو فصلنامه برنامه و بودجه، دوره ۱۳، شماره ۱، ص ۱۲۹-۱۵۴.
- زبیری، هدی (۱۳۹۶)، ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی، فصلنامه اقتصاد مقدار، دوره پانزده، شماره ۱، ص ۱۷۳-۲۰۶.
- جانی، سیاوش (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر سطوح مختلف نهادی بر رشد اقتصادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا و OECD، فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۳۳-۱.
- چراتیان، ایمان و قربانی، سعید (۱۳۹۳)، تحلیل آثار سیاست‌های پولی و مالی بر کارآفرینی، توسعه کارآفرینی، ۷(۴)، ۷۷۳-۷۹۳.
- دل‌انگیزان، سهراب و کریمی، محمدشریف و امیربانی، پرستو (۱۳۹۶)، تأثیر سیاست‌های پولی بر بیکاری در شرایط ناطمینانی تورم، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۱۱(۱)، ص ۱-۲۱.
- فتح‌اللهی، مهدیه و قبادی الوار، احمد (۱۳۹۳)، توسعه مبتنی بر کارآفرینی و تطبیق کارآفرینی در ایران با کشورهای توسعه‌یافته، اولین همایش ملی الکترونیک دستاوردهای نوین در علوم مدیریت و حسابداری، سیولیکا.
- عیسی‌زاده، سعید و مهرانفر، جهانبخش (۱۳۹۱)، نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان، پژوهشنامه اقتصادی، ۱۲(۴۴)، ۱۹۹-۲۱۲.
- قادری مقدم، رامین (۱۳۹۸)، اثر کسب‌وکار بر کارآفرینی مطالعه موردی برای کشورهای درحال توسعه منتخب و ایران (با استفاده از داده‌های تابلویی)، کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، دوره دوم.
- محمدزاده، یوسف و حکمتی فرید، صمد و میرعلی اشرفی، کبری (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب، توسعه کارآفرینی، ۹(۲)، ۳۵۷-۳۷۶.
- مرادی، شیوا و رضائی، بیژن و پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۹۵)، شناسایی عوامل توسعه کارآفرینی از منظر کارآفرینان ایرانی، توسعه کارآفرینی، ۳(۳)، ۵۱۳-۵۳۲.

براساس نتایج این مطالعه، افزایش مخارج دولت و در واقع اعمال سیاست‌های مالی انبساطی به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه، فعالیت‌های کارآفرینی را تشویق می‌نمایند، در واقع در این کشورها، دولت‌ها با سرمایه‌گذاری در زیر بناها و فراهم‌نمودن فرصت‌های لازم، فعالیت‌های کارآفرینی را تشویق می‌کنند. تاثیر مخارج دولت بر سطح فعالیت‌های کارآفرینانه درحالی است که استفاده از سیاست‌های پولی تاثیر معکوس بر فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورهای درحال توسعه دارد. براساس نتایج این مطالعه، افزایش حجم پول در کشورهای درحال توسعه، به دلیل نبود ساختار مناسب تولید، موجب افزایش جریان مالی در فعالیت‌های نامولد شده و سطح فعالیت‌های کارآفرینی مولد را کاهش می‌دهد. اما در کشورهای توسعه‌یافته به دلیل وجود ساختارهای مناسب تولید، افزایش حجم پول و در واقع سیاست‌های انبساطی پولی با رونق‌بخشیدن به فضای تولید و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه به سطح کارآفرینی کمک می‌کند. با عنایت به نتایج این مطالعه به‌منظور افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه کشورهای درحال توسعه، لازم است. سیاست‌های مالی و مخارج دولت در جهت ایجاد فرصت‌ها به‌منظور تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه جهت‌گیری شوند و سیاست‌های پولی در جهت کنترل حجم نقدینگی مورد توجه قرار گیرند. این درحالی است که کشورهای توسعه‌یافته در تقویت فعالیت‌های کارآفرینانه می‌توانند بر سیاست‌های پولی تاکید نمایند.

براساس نتایج این مطالعه در کشورهای درحال توسعه، هرچقدر درجه آزادی اقتصادی بیشتر باشد، میزان کارآفرینی افزایش می‌یابد که مطابق با انتظارات تئوریک و مطالعات قبلی از جمله مطالعه محمدزاده و همکاران است. در واقع افراد و سازمان‌ها در کشورهایی با سطوح آزادی اقتصادی بیشتر، میزان بالاتری از آزمایش خطا را نیز تجربه می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد که درجه آزادی اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته اثر معکوس و البته ناچیز بر سطح کارآفرینی دارد که با توجه به درجه بالای آزادی اقتصادی در این کشورها حکایت از آن دارد که آزادی اقتصادی بیش از اندازه بر کارآفرینی کمک نمی‌کند. در نهایت نتایج این مطالعه دلالت بر آن داشت که در هر دو گروه از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه هرچه رشد اقتصادی بیشتر باشد، فضای کارآفرینانه نیز در جامعه پویاتر خواهد بود.

دقت نظر در نتایج این مطالعه چارچوب سیاستی مشخصی را برای تقویت سطح فعالیت‌های کارآفرینی کشورهای درحال توسعه و توسعه‌یافته ارائه می‌نماید. در این چارچوب کارآفرین به‌عنوان عنصری که کارکرد نهادهای خرد و فضای کسب‌وکار را بهبود می‌بخشد، معرفی

۱. اثرگذاری نهادهای کلان بر نهادهای خرد براساس تئوری نهادگرایی چنانچه ویلیامسون (۲۰۰۰) به آن تاکید می‌نماید در برخی مطالعات از جمله مطالعات Bota-Avram (۲۰۱۴)

و Cule & Fulton (۲۰۱۳) و مطالعه جانی (۱۳۹۹) برای کشورهای درحال توسعه و توسعه یافته نشان داده شده است.

References

- Audretsch, D; Braunerhjelm, P. & Carlsson, B. (2004). The missing link: The Knowledge Filter and Entrepreneurship in Endogenous Growth, London: Center for Economic Policy Research: CEPR discussion, paper no. 4783.
- Ayegba, S.O , Sunday Alewo, O. (2016). A Study on Factors Affecting Entrepreneurial Development in Nigeria, *European Journal of Business and Management* www.iiste.org (Online), 8(12).
- Paweł, A.N. (2017). Determinants of development of entrepreneurship, Lodz University of Technology, Humanum All rights reserved Poland E-mail: pnowocien1@wp.pl
- Blaug, M., P. Sturges (1983), *Who's Who in Economics: A Biographical Dictionary of Major Economists, 1700–1981*. Cambridge: MIT Press.
- Bota-Avram, C. (2014) . Good Governance & Doing Business: Evidence From Cross Country Survey. *Transylvanian Review of Administrative Sciences*, 41, 27-45.
- Baumol, W. (1990). Entrepreneurship: Productive, unproductive and destructive, *Journal of Political Economy*, 98 (5), 893-921.
- Casson, M. (1982), *The Entrepreneur: An Economic Theory*. Oxford:Robertson.
- Cule, M., & Fulton, M.E. (2013) . Corporate Governance and Subjective Well-Being. *Applied Economics Letters*, 20 (4) , 364-367.
- Companys, Y.E. and J.S. McMullen (2007). Strategic entrepreneurs at work; the nature, discovery, and exploitation of entrepreneurial opportunities, *Small Business Economics*, 28(4), 302-22.
- Faruk, Mohammad Omar, Nazmul Hassan, Dr Nazrul Islam (2016), Factors Influencing the Development of Social Entrepreneurship in Bangladesh, <https://www.researchgate.net/publication/308119717>
- Herrera-Echeverri, H., Haar, J. & Estévez-Bretón, J. B.(2014). Foreign direct investment, institutional quality, economic freedom and entrepreneurship in emerging markets, *Journal of Business Research*,67(9),1921-1932
- Harper,D. (2003) *Foundations of Entrepreneurship and Economic Development*,Routledge: London & NewYork (chp. 4 , 5).
- Lee, S.; Peng, M. and S. Song (2013). "Governments Entrepreneurs and Positive Externalities: A Real Options Perspective", *European Management Journal*,31, 333-347.
- Lerners, M. &Hsber, S (2000). Performance factors of small tourism, The interface of tourism, entrepreneurship and the environment, *Journal of Business Venturing*, 16, 77.
- McMullen, J.S., Bagby, D. &Palich, L. E. (2008). Economic freedom and the motivation on engage in entrepreneurial action, *Entrepreneurship theory and Practice*, 32(5) و 875-895
- Minniti, Maria (2008). "The Role of Government Policy on Entrepreneurial Activity: Productive, Unproductive, or Destructive?" *Entrepreneurship Theory & Practice*, 32(5), 779- 790.
- North, D. C.(1990). *Institutions, institutional change, and economic performance*, Cambridge: Cambridge University Press.
- North, D.C. (1994) *Economic performance through time*, *The American Economic Review*, 84 (3), 359-368.
- Obaji, N. and M. Olugu (2014). “The Role of Government Policy in Entrepreneurship Development”, *Science Journal of Business and Management*, 2(4), 109-115.
- Palmer, M.(1987). The Application of Psychological Testing to Entrepreneurial Potential, In C. Baumbach & J. Mancuso (eds), *Entrepreneurship and Venture Mangement*, N.J.Prentice-Hall Inc.
- Kirzner, Israel M. (1997), *Entrepreneurial Discovery and the Competitive Market Process: An Austrian Approach*, *Journal of Economic Literature* ,35(1). 60-85
- Schumpeter, J. A. (1934) *The theory of economic development*. Cambridge, MA:Harvard University Press.
- Russell S.; Clark, J. R. & Lee, D. R. (2007). Freedom, barriers to entry, entrepreneurship, and economic progress, *Rev Austrian Econ*, 20, 221–236.
- Shirley, M. M.(2008). *Institutions and Development*. Cheltenham, UK and Northampton, MA, USA: Edward Elgar Publishing Limited.
- Williamson, O. E. (1998) *The institutions of governance*. *The American Economic Review*, 88 (2), 75–79.
- Yang,Q.(2018), *The Influence of Institution on Entrepreneurship: Based on the Development of Entrepreneurship in Shenzhen*, 4th International Conference on Humanities and Social Science Research
- Samadi,A.H.(2019),*Institutions and entrepreneurship: unidirectional or bidirectional causality?*, *Journal of Global Entrepreneurship Research*,9(3), 1-16, <https://doi.org/10.1186/s40497-018-0129-z>
- Zoltan,J,A., Estern,S.,Micikiewicz,T. and Szerb,L.(2018), *Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: an ecosystem perspective*, *Small Business Economics*,51, 501-514.